

Research Article

The adaptation of the water myth in Ferdowsi's Shahnameh and the book Myths about Water and Its Fleets

Mohammad Shah Badi'zadeh^{1*}, Javad Mehraban¹, Ahmad Modir²

Abstract

Water, as one of the four opposing elements, is the most amazing divine gift and a gift of nature that has been respected since ancient times and has played a significant role in the flourishing of human civilization. The essence of water is the source of existence in the beliefs of the ancients. Passing through water symbolizes passing from the mortal body and reaching the world of meaning and rebirth. Some goddesses are guardians of water and a symbol of life and resurrection. Ancient Iranians and Egyptians, while honoring this life-giving element, considered its preservation and maintenance as their religious duty. Therefore, the water myth in the mind and thought of Ferdowsi and Asma Abd al-Rahman is a symbol of immortality, fertility, and fertility; washing with water is essential for performing prayers; it also plays a significant role in the system of creation. What made this research a necessity in the minds of the authors is the study, comparison and comparison of the archetype of water in Ferdowsi's Shahnameh and the book "Myths about Water and Fleets" written by Asma Abd al-Rahman. Considering that no research has been done on this subject before, the authors have tried to show the sacred position and various functions of the myth of water in these two valuable works by using the method of comparative literature.

Keywords: Water myth, Comparative literature, Ferdowsi's Shahnameh, Essay on Myths about Water and Fleets

How to Cite: Shah Badi'zadeh M, Mehraban J, Modir A., The adaptation of the water myth in Ferdowsi's Shahnameh and the book Myths about Water and Its Fleets, Journal of Comparative Literature Studies, 2025;19(76):233-248.

1. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

2. PhD Student, Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Correspondence Author: Mohammad Shah Badi'zadeh

E-mail: mohammad.shahbadizadeh@gmail.com

تطبیق اسطوره آب در شاهنامه فردوسی و کتاب أساطیر حول الماء و أساطيله

محمد شاه بدیع زاده^{۱*}، جواد مهربان^۱، احمد مدیر^۲

چکیده

آب به عنوان یکی از چهار عنصر متضاد، شگفت انگیزترین موهبت الهی و داده طبیعت است که از دیرباز مورد احترام بوده، نقش به سزایی در شکوفایی تمدن بشر داشته است. گوهر آب در باورهای گذشتگان سرچشمه هستی است. گذشتن از آب، نماد گذر از جسم فانی و رسیدن به عالم معنا و زندگی دوباره است. برخی ایزد بانوان نگهبان آب و نماد زندگی ورستاخیزند. ایرانیان و مصریان باستان، ضمن گرامیداشت این عنصر زندگی بخش، حفظ و نگهداری آن را وظیفه دینی خود می دانستند. بدین روی، اسطوره آب در ذهن و اندیشه فردوسی و اسماء عبدالرحمن، نماد جاودانگی، زاینده و باروری است؛ شستشو با آب امری ضروری برای انجام نیایش است؛ در نظام آفرینش نیز نقش به سزایی دارد. آنچه این پژوهش را به عنوان یک ضرورت در ذهن نگارندگان مطرح نمود، بررسی، مقایسه و تطبیق کهن الگوی آب در شاهنامه فردوسی و کتاب «أساطیر حول الماء و أساطيله»، نوشته اسماء عبدالرحمن است. با توجه به اینکه پیش از این هیچ پژوهشی در این باره انجام نشده است، نگارندگان کوشیده اند تا جایگاه قدسی و کارکردهای گوناگون اسطوره آب را با روش ادبیات تطبیقی در این دو اثر ارزنده نشان دهند.

واژگان کلیدی: اسطوره آب، ادبیات تطبیقی، شاهنامه فردوسی، مقاله أساطیر حول الماء و أساطيله

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

ایمیل: mohammad.shahbadizadeh@gmail.com

نویسنده مسئول: محمد شاه بدیع زاده

مقدمه و بیان مسئله

در ایران و مصر باستان، باستان آب مورد احترام، تقدس و نیایش بوده است. در ایران باستان، قدمت ستایش «آپام نبات»، ایزد اصلی نگهبان آب‌ها که در دوره های پسین جای خود را به ایزد بانوی «آناهیتا» داده است، «به دوره های بسیار پیشین، حتی به زمان پیش از زردشت می‌رسد.» (آموزگار، ۱۳۹۵ش: ۲۴-۲۵). از آنجا که اسطوره، نماد باورهای انسان های کهن است، گذشتگان پدیده های طبیعی را نیروهای آسمانی و خدایی می دانستند. از این میان، «چهار عنصر آب و آتش و باد و خاک، بارزترین مظاهر طبیعت هستند که بنا بر کهن‌ترین باورهای پیشین، نماینده پاکی و سرچشمه زندگی در طبیعت بوده‌اند.» (بهار سخن، شماره ۳۶: ۱۱۶). اگرچه نقش نمادین آب را می توان در سه مضمون: سرچشمه زندگی، جاودانگی، و رستاخیز خلاصه کرد، «تقریباً در اساطیر تمام ملل، آب را نماد مرگ و باززایی و زندگی دوباره به شمار آورده‌اند.» (شوالیه، ۱۳۷۸ش: ۳). این گوهر اسطوره‌ای، پیش از آنکه از مرحله وحدت به مرحله کثرت برسد، در فرهنگ ملت ها سرآغاز آفرینش مادی و نماد زایایی و زندگی است؛ غوطه خوردن در آب، نماد بازگشت به زندگی دوباره است؛ درمان بخش است، و شستشوی مردگان با آب نیز موجب رستاخیز پس از مرگ می شود.

هدف پژوهش

با توجه به اهمیت و قداست گوهر آب در ایران و مصر باستان و انجام نشدن هیچ پژوهش دیگری در این باره، هدف از انجام این پژوهش بررسی، مقایسه و تطبیق کهن الگوی آب در شاهنامه فردوسی و کتاب «اساطیر حول الماء و أساطیله»، نوشته اسماء عبدالرحمن است. بدین روی، نگارندگان کوشیده‌اند تا جایگاه قدسی و کارکردهای گوناگون اسطوره آب را با روش ادبیات تطبیقی و خوانشی اسطوره ای در این دو اثر ارزنده نشان دهند و میزان دگرگونی و تحول معنایی کارکردهای این کهن الگو را در ذهن و اندیشه فردوسی و اسماء عبدالرحمن نشان دهند.

پیشینه پژوهش

با اینکه پیش از این، در باره کارکردهای تطبیقی اسطوره آب در شاهنامه فردوسی به عنوان برجسته ترین اثر اسطوره ای و حماسی زبان فارسی، و کتاب «اساطیر حول الماء و أساطیله»، نوشته دکتر اسماء عبدالرحمن عبدالرحیم، نویسنده برجسته مصری، هیچ پژوهشی انجام نشده است، پژوهش هایی در باره اسطوره آب و شاهنامه انجام شده که به چند نمونه اشاره می شود. حسن حیدری (۱۳۸۵ش) در مقاله «خضر، اسکندر و آب حیات» که در نشریه مطالعات عرفانی چاپ شده، به بیان پیشینه آب حیات و برداشت های گوناگون از این اسطوره پرداخته است که

تناسب چندانی با مضمون این پژوهش ندارد. فرزاد قائمی و همکاران (۱۳۸۸ش) در مقاله «تحلیل نقش نمادین اسطوره آب و نمودهای آن در شاهنامه فردوسی بر اساس روش نقد اسطوره‌ای» که در نشریه جستارهای ادبی چاپ شده است، تنها به کارکردهای اسطوره آب در شاهنامه پرداخته و به کارکردهای آن در کتاب أساطیر حول الماء و أساطيله، اشاره ای نکرده اند. اسماعیل اسماعیل پور (۱۳۸۱ش) در مقاله «تیرما سیزشو» ضمن بیان خاستگاه جشن تیرما سیزشو و اشاره به اسطوره «تیشتر» (ایزد باران) و نبرد وی با دیو خشکسالی، به جایگاه اسطوره آب در شاهنامه فردوسی و متون عربی اشاره ای نکرده است. در مقاله «تجلی رمز و اسطوره در دیوان، حدیقه و سیرالعباد» سنایی، نوشته مهناز باز گیر و همکاران (۱۳۹۶ش) که در فصلنامه بهارستان سخن چاپ شده است، نویسندگان ضمن تحلیل اسطوره آب در عمده ترین آثار سنایی، به جایگاه آن در شاهنامه و اسطوره دیگر ملت ها، از جمله مصر پرداخته اند. بدین روی، این مقاله نیز تناسب چندانی با موضوع این پژوهش ندارد. بر همین اساس، نگارندگان این پژوهش کوشیده اند تا با استفاده از روش ادبیات تطبیقی و خوانشی اسطوره گرا، کارکردهای گوناگون کهن الگوی آب را در ذهن و اندیشه فردوسی و اسماء عبدالرحمن مورد بررسی و تحلیل قرار دهند.

پرسش‌ها و فرضیه های پژوهش

- اسطوره آب در شاهنامه فردوسی و کتاب أساطیر حول الماء و أساطيله چه جایگاهی دارد؟
- اسطوره آب در متون یاد شده چه خاستگاه و کارکردهایی دارد؟
- شباهت ها و تفاوت های اسطوره آب در این دو اثر چیست؟

بحث و بررسی

مبانی نظری پژوهش

ادبیات تطبیقی یک از شاخه های ارزشمند علوم ادبی معاصر است که میزان تأثیر پذیری ادبیات ملت های گوناگون از یکدیگر را نشان می دهد. ادبیات تطبیقی این نکته مهم را به اثبات می رساند که تکامل و شکوفایی ادبیات، فرهنگ و باورهای هر ملتی به دور از اندیشه های ادبی دیگر ملت ها ناممکن است. بر همین اساس، اسطوره آب و کارکردهای گوناگون آن، به عنوان یکی از برجسته ترین مضمون های مشترک در فرهنگ دو ملت ایران و مصر، در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

آب به دلیل نقشی که در زندگی بشر دارد، همواره مورد احترام و پرستش بوده، ملت های کهن و اسطوره ساز، اسطوره های گوناگونی در باره آن ساخته اند. با توجه به اینکه تمدن های

کهن در کنار رودخانه های بزرگ پدید آمده اند، اهمیت آب باعث شده است تا «جویبارها و چشمه سارها مقدس شمرده شوند، و مردم هر زادبوم، رودی را که از سرزمینشان می گذشت به خدایی بردارند.» (دلاشو، ۱۳۶۶ش: ۱۳۷). به باور اسماء عبدالرحمن، آب مایه حیات و اساس ایجاد تمدن ها در طول تاریخ است. بدین روی، انسان در جایی وجود دارد که آب باشد، و هر جا که منبع آب باشد، زندگی برقرار است. «فقد وُجد البشر حیث یوجد الماء، و تقام الحیاه اینما یتنوفر مصدر للماء.» (اسماء عبدالرحمن، ۱۴۴۲ق: ۱۱۱۲۳).

به باور انسان های کهن، جهان از چهار آخشیج آب، باد، خاک و آتش تشکیل شده است. از این میان، آب نمادی زنانه دارد و «زایش، باروری، نیرو بخشی، و چشمه حیات را تداعی می کند.» (کوپر، ۱۳۷۹ش: ۱). بر پایه همین باور اسطوره ای، بازگیر و همکاران معتقدند که مادینگی آب با «کهن نمونه مادینه روان در پیوند است.» (بهار سخن، شماره ۳۶: ۱۱۷). استیونس^۱ و ورونیکا^۲ انسان را حاصل آمیزش آب و خاک می دانند. (رک. استیونس و ورونیکا، ۱۳۷۳ش: ۶۸).

در آیین مهری پیوستگی با آب و هر آنچه در آب بارور شود، مقدس است. آب در اسطوره های زردشتی به عنوان دومین آفریده اورمزد، اساس آفرینش است. در آبان یشت، آردوی سوره آناهیتا، به معنای رودخانه نیرومند و مقدس، نگاهبان آب هاست. برخی بر این باورند که آناهیتای ایرانی هم‌تای اِثایِ میان رودان، سرس وتی ودایی، ایشترِ بابلی، و آفرودیتِ یونانی است که به عنوان مظهر زندگی، زمین، جانوران و زنان را بارور می کند. (الیاده، ۱۳۷۶ش: ۱۹۰).

آب، در اعتقاد به ظهور نهایی نجات دهندگان زردشتی، نقش برجسته ای دارد. ربیتوین از ایزدان نگهبان آب است که در زمستان با گرم نگاه داشتن آب های زیر زمین، به ادامه زندگی گیاهان و درختان کمک می کند. ایزد باد در ابرهای باران زا زندگی می آفریند. تیشتر که فرشته باران است، «در اصل نام ستاره ای است به همین نام که در ایران قدیم پرستیده می شده است.» (نامه انسان شناسی، شماره ۱: ۸۱).

به عقیده اسماء عبدالرحمن، پی بردن به راز پدیده های طبیعی، یکی از اصلی ترین دغدغه های ذهنی انسان های نخستین بوده است. به همین دلیل، آنان، «.. لجأ ألی التفسیر الأسطوری الذی یفرضه خیاله البشری، فی فهم تلك العلاقات مع عناصر الطبيعة... خاصة الماء الذی یمثل ثلاثة أضعاف الیابسة، و هی کلها تفسیرات تخلو من المنطق العلمی، والمعابیر المنهجیة.» (اسماء عبدالرحمن، ۱۴۴۲ق: ۱۱۱۳۰).

1. Stevens

2. Veronica

ترجمه: برای درک آن روابط با عناصر طبیعت، به تفسیر اسطوره‌ای تحمیل شده به وسیله تخیل انسانی خود متوسل می‌شدند. مخصوصاً آب که سه برابر خشکی‌ها را شامل می‌شود، و این‌ها همگی توضیحاتی است خالی از منطق علمی و تعابیر روش‌شناختی.

بحث اصلی پژوهش

کارکردهای گوناگون اسطوره آب در شاهنامه فردوسی

در شاهنامه فردوسی، اسطوره آب در سه مضمون اصلی به کار رفته است که عبارتند از: نقش آب در پدید آمدن عالم هستی، آب حیات و جاودانگی، و آزمون گذر از آب.

نقش اسطوره آب در آفرینش عالم هستی

در شاهنامه فردوسی جلوه‌های گوناگون آب به صورتی زیبا و هنرمندانه، به نمایش در آمده است. از نقش آن در آفرینش هستی، ساختن سد و کنترل آب برای انجام کارهای کشاورزی و زندگی گرفته، تا تطهیر پیش از نیایش، یا عبور از دریاها و ژرف و رودخانه‌های خروشان، برای رسیدن به رستخیز و زندگی دوباره. از این میان، مهم‌ترین جلوه حضور آب در شاهنامه، نقش آن در نظام آفرینش است.

... که یزدان ز ناچیز چیز آفرید بدان تا توانایی آمد پدید
وُزو مایه گوهر آمد چهار برآورده بی‌رنج و بی‌روزگار...

(فردوسی، ۱۳۹۴ ش: ج ۱/۲).

گوهر آب در داستان هوشنگ، به بنای سد، کنترل آب، و رواج کشاورزی که زندگی و هستی بدان بسته است ارتباط می‌یابد. دست یافتن به فرّ آریایی، کفایت و کاردانی نیز با آب در پیوند است. در شاهنامه، خاک، نماد جسم فانی، و آب به عنوان عنصری مقدس، نماد زندگی، زاینده‌گی و پاک‌ی گوهر وجودی است. با توجه به روایت‌های اسطوره‌ای، خاک و آب مادینه، فرودین و این جهانی‌اند. از این روی، در ادب فارسی از گیتی با عنوان «جهان آب و گل»، و در شاهنامه از مردم با عنوان «آب و خاک» یاد شده است. چنین یاد کردهایی از گیتی و انسان، نشان می‌دهد که گوهر آب در شاهنامه با تفسیرهای انتزاعی ذهن غریزی انسان، ارتباط تناتنگی دارد. گاهی نیز مراد استاد سخن از آب، روح خدایی است. همان حقیقت وجودی که در ذهن و اندیشه اسماء عبدالرحمن مایه حیات، عنصر شکل‌گیری نظام هستی و نماد الوهیت است.

کهن‌الگوی آب در نقش آب حیات و جاودانگی

از آنجا که آدمی را از آغاز، توان چیرگی بر مرگ و نیستی نبوده است، این پندار همواره ذهن وی را بر آن داشته تا دست کم، در باورهای اسطوره‌ای خویش، راهی برای جاودانگی بیابد. بر پایه همین پندار، آب حیات، نام چشمه‌ای در ظلمات است که هر که از آن بنوشد یا سر و تن در آن بشوید، جوانی از سر گیرد؛ روزگار به شادمانی گذراند، و جاودانه زید. پیشینه دست یافتن به این آرزو، به دیرینگی عمر بشر می‌رسد و در فرهنگ بسیاری از ملت‌ها حضور دارد. یکی از شگفت‌ترین و کهن‌ترین این داستان‌ها، در حدود، «سه هزار سال پیش از پردازش داستان اسکندر از مضمون افسانه‌ای مذکور، در حماسه بین النهرین، گیل گمش، بازگو شده است.» (سرکاراتی، ۱۳۸۵ش: ۲۸۷). در پاره‌ای از باورهای اسطوره‌ای، سرمنشأ آب حیات به چشمه سارهایی در آسمان‌ها نسبت داده شده است. حسن حیدری به نقل از الیاده در این باره می‌نویسد: در اسطوره‌های مصری، آب حیات در نقش برجسته درخت «هاثور» در آسمان‌ها جای دارد که به روان درگذشتگان، «نوشیدنی و خوردنی می‌دهد و موجب حیات و بقای جاودان می‌شود.» (مطالعات عرفانی، شماره ۳: ۷۶). آب در این نقش نمادین، رمز جاودانگی، جوانی و حیات است که در سرزمین‌هایی دور و دشوار قرار دارد و موجوداتی هولناک، از آن نگاهبانی می‌کنند، از این روی، برای همگان امکان دسترسی بدان وجود ندارد، و به گفته الیاده، «پیمودن راهی که به سرچشمه آب حیات می‌رود، و به دست آوردن آن، متضمن سلسله نذرها و نیازها و آزمون‌هایی است.» (الیاده، ۱۳۷۶ش: ۱۹۳). در رمزپردازی‌های خورشید در اسطوره‌های ملت‌ها، غوطه ور شدن شبانه خورشید در دریا، و برآمدن از آن در سحرگاهان، نماد نوزایی و تولد دوباره است. در اسطوره‌های مصر، ققنوس صورت شخصیت یافته خورشید در حال طلوع است، که زندگی را از درون آب آغاز می‌کند، و «در هنگام سپیده دم، به شکل دختری جوان نمودار می‌شود.» (زمردی، ۱۳۸۸ش: ۵۲).

از آنجا که در آیین‌های اسطوره‌ای، غوطه ور شدن در آب، رمز ناپدید شدن صورت کهن، برای رسیدن به صورتی نوین است، قائمی به نقل از میر^۱ می‌نویسد: همان گونه که بارش باران در آثار ادبی، نمایانگر هستی و تولد دوباره است، غسل تعمید نیز می‌تواند نشان دهنده نوزایی دوباره روان انسان باشد. (ر.ک. جستارهای ادبی، شماره ۶۵: ۵۷). بر پایه همین باور، رسم آیینی غسل تعمید یا پاپتیسیم^۲ و شست و شوی بدن در آب مقدس برای پاک شدن نوکیش از آلودگی‌ها، نوعی تجدید حیات به وسیله آب مقدس است.

1. Meyer
2. Paptism

در باورهای زردشتی، سرچشمه هوم به آسمان ها نسبت داده شده است. بنا بر مندرجات اوستا، گیاه زندگی بخش «هوم»، همان کهن الگوی آب حیات یا اکسیر جاودانگی است که در بخش های گوناگون اوستا از آن نام برده شده است. استاد پورداد به نقل از بند ۱ تا ۳ از فصل ۱۸ بندهشن می گوید از برگ های گیاه زندگی بخش هوم که در دریای فراخکرت در عمق آب می روید، «حیات و زندگی نوین به دست می آید. و این گیاه است که حیات جاودان بخشد.» (پورداد، ۱۳۹۴ش: ج ۴/ ۶۸۰). البته پیش از زردشت، در آیین مهری نیز، «ایزد سومه، که تجسم باران [آب آسمانی] است، خدای زندگی و بی مرگی شمرده شده است.» (ورمازن، ۱۳۷۲ش: ۱۹). لازم به یادآوری است که در دوره های پسین، برگ های زندگی بخش این گیاه اسطوره‌ای، در شاهنامه با یک دگرگونی عمده، «به دلیل قرابتش با آب، مبدل به آب شده، و آب حیات را شکل داده است.» (رضی، ۱۳۴۶ش: ۶۸۷).

یکی از آشکارترین جلوه های آب حیات در شاهنامه، در داستان اسکندر نمود یافته است. بنا بر روایت شاهنامه، اسکندر در ادامه گشت و گذارهای خود به شهری می رسد که مردم آن شهر، وی را از وجود چشمه‌ای آگاه می کنند که به آدمی عمر جاودان می بخشد. آزمندی اسکندر، وی را بر آن می دارد تا به راهنمایی خضر برای رسیدن به این چشمه، وارد ظلمات شود. وی پس از پیمودن دو شبانه روز راه:

سه دیگر به تاریکی اندر دو راه پدید آمد و گم شد از خضر، شاه
پیامبر سوی آب حیوان کشید سر زندگانی به گیوان کشید

(فردوسی، ۱۳۹۴ش: ج ۳/ ۳۱۹).

چنانکه اشاره شد، بنا بر روایت شاهنامه، اسکندر به راهنمایی خضر در جست و جوی آب حیات بر می آید، ولی حسن حیدری به نقل از تاریخ طبری در این باره می گوید در تاریخ طبری، «از همراهی خضر با او در این سفر سخنی نیست.» (مطالعات عرفانی، شماره ۳: ۷۸). اسکندر پس از ناکامی در رسیدن به چشمه آب حیات، و دیدن مرده‌ای شگفت بر فراز کوه، به چشمه‌ای شور و راز آمیز می رسد که آن چشمه، زمان مرگ وی را باز می گوید. در این داستان نمادین، شوری آب چشمه، بیان گر تلخی مرگ و شوربختی پایان زندگی است.

از دیگر جلوه های حضور آب در اسطوره ها، درمانگری آن است. بر پایه همین باور، الیاده می گوید آب که رمز آفرینش کیهان است، در واقع، جوهری جادویی است که خاصیت درمانگری دارد. (الیاده، ۱۳۷۶ش: ۱۹۳). بهترین نمود درمان بخشی آب در شاهنامه، «آب چشمه سو» در داستان یزدگرد بزه گر است.

همانگونه که در اسطوره های ملت ها، غوطه ور شدن شبانه خورشید در آب دریا، و برآمدن از آن در سحرگاهان، نماد نوزایی و تولد دوباره است، در شاهنامه فردوسی، خورشید در پایان روز، در چشمه آب حیات که از آسمان ها بر می آید، به فردوس برین راه دارد، و هرکه از آن بنوشد، هرگز نمی میرد، پنهان می شود،

چو خورشید تابان بدانجا رسد بر آن ژرف دریا شود ناپدید
پس چشمه در تیره گردد جهان شود آشکارای گیتی نهان...

(فردوسی، ۱۳۹۴ ش: ج ۶/ ۹۱).

خالقی مطلق بر این باور است که آب حیات، همان چشمه ای است که بنا بر روایت شاهنامه، کیخسرو «در آن غسل کرده، در زمره جاودانان در آمد.» (خالقی مطلق، ۱۳۸۱ ش: ۴۳۰). سرکاراتی در میان کوشک های هفتگانه کاووس بر فراز البرز، از کوشکی سخن می گوید که چشمه آب حیوان در آن قرار دارد و «هر زالی که وارد آن شود، بُرنا و جوان از آن بیرون می آید.» (سرکاراتی، ۱۳۸۵ ش: ۲۸۸).

در شاهنامه، داستان کیخسرو از دیگر جلوه های نمادین آب، در نقش آب حیات است. در این داستان حماسی - عرفانی، پس از کشته شدن ناجوانمردانه سیاوش، خشکسالی بزرگی که نماد مرگ، نیستی و فساد است، همه جا سایه می گسترد. آنگاه گودرز خوابی می بیند که در آن، ابری پرآب از ایران زمین بر می آید و خجسته سروش از فراز آن فریاد بر می آورد که راه نجات ایرانیان، «آوردن سیاوش از توران زمین به ایران است، و هم بر دست او کین سیاوش را باز توان گرفت.» (سرامی، ۱۳۹۲ ش: ۵۵۶). در این بخش از داستان، آب نماد بالقوه زندگی و حیات است. در ادامه، پس از بازگشت کیخسرو به ایران، و نشستن بر سریر شهریاری، خواب گودرز تعبیر شده، ابرها باریدن می آغازند و با ایجاد رستاخیز نوینی در طبیعت، زمین زندگی دوباره ای می یابد. فرجام این داستان شگفت، از سویی بیان گر زندگی زاهدانه کیخسرو است که وی در آن، با گزینش مرگ پیش از مرگ، به جاودانگی می رسد و از دیگر سو نشان دهنده اوج نمادینگی آب در شاهنامه است.

با این همه، این کهن الگو در ایران باستان، بن مایه ای دو سویه دارد: رویه آشکار آن زندگی و رویه پنهان آن مرگ است که شوالیه و گریبان از آن با عنوان آب های مرگ یاد کرده، معتقدند چنین مکافات، «فقط برای گناهکاران است.» (شوالیه، ۱۳۷۸ ش: ۱۴). بارزترین نمونه این مضمون در متون دینی و قرآن کریم، داستان طوفان نوح، و در شاهنامه، داستان یزدگرد است که در آن،

خودبینی یزدگرد، آب چشمه سو را به آب مرگ تبدیل کرده، اسبی از آب بیرون می آید، و وی را می کشد.

آزمون گذر از آب

آزمون گذر از آب، نوعی آزمایش ایزدی است که طی آن، انسان با گذشتن از عالم جسم، به عالم روح و معنا گام می نهد. این آزمون با بن مایه هایی مشترک، در اسطوره های بیشتر ملت ها به صورت گذر از رودخانه ای خروشان یا دریایی بی کران نمود می یابد. به باور یونگ و سیوگ^۱ آزمون گذر از آب، یکی از نمود های کهن الگوی مرگ و تولد دوباره است که در آن، «من» انسان که به ژرفای تاریک ضمیر ناخودآگاه هبوط کرده، با گذر از مرحله ای دشوار و نمادین، «تولد دوباره ای را در قالب بازگشتی کمال یافته به خودآگاهی از سر می گذارد.» (جستارهای ادبی، شماره ۶۵: ۶۱).

در بند ۱۰۴ از کرده ۲۳ آبان یشت، زردشت پس از گذشتن از رودخانه خروشان «ونگوهی دائیتیا» و پشت سر نهادن زندگی جسمانی، به عالم ملکوت گام نهاده، در آریاویش با اهورا مزدا سخن می گوید. بازتاب این مضمون در بسیاری از داستان های شاهنامه نیز به چشم می خورد. چنان که فریدون برای دست یافتن به دهاک تازی، به تندی میان کیانی را ببست، بر باره شیر دل برنشت و:

سرش تیز شد کینه و جنگ را بداب اندر افکند گلرنگ را

(فردوسی، ۱۳۹۴ش: ج ۱/ ۴۱).

داستان شهریار کیخسرو که در شاهنامه با آزمون گذر از آب گره خورده، او را و می دارد تا برای رسیدن به ایران، بی نیاز از کشتی:

بداب اندر افکند خسرو سیاه چو کشتی همی راند تا بازگاه
پس او فریگیس و گیو دلیر برون شد ز جیحون و از آب چیر
بدانسو گذشتند هر سه درست جهانجوی خسرو سر و تن بشت

(همان: ج ۱/ ۴۳۹).

کیخسرو پس از پیروزی بر خاقان چین، برای رسیدن به توران و نبرد نهایی با افراسیاب، از دریای شگفت، طوفانی و هولناک «زره» می گذرد. رستم در خوان پنجم، برای نجات کاووس، از

^۱. Sugg

رودخانه‌ای خروشان و هراس‌انگیز می‌گذرد، تا به وی و دیگر ایرانیان دریند، زندگی دوباره‌ای بخشد.

کزو بگذری، رود آب است پیش که پهنای او بر دو فرسنگ بیش
کنارنگ دیوی نگهبان او همه نره دیوان به فرمان او

(همان: ج ۱ / ۲۱۸).

خوان ششم اسفندیار نیز جلوه دیگری از آزمون آب در شاهنامه را نشان می‌دهد.

به دریا سبکبار شد بارگی سپاه اندر آمد به یکبارگی

(همان: ج ۳ / ۱۱۷).

کارکردهای گوناگون اسطوره آب در کتاب اساطیر حول الماء و أساطيله

نقش اسطوره آب در پدید آمدن عالم هستی

یکی از عمده ترین کارکردهای کهن الگوی آب در اسطوره های مصری، نقش سازنده آن در شکل گیری نظام هستی است. چنانکه اسماء عبدالرحمن در این باره می‌گوید: آب مایه حیات برای همه زندگان، راز وجود آنها، و در واقع، عنصر اصلی شکل‌گیری جهان است. «آته عصب الحياه لجميع الأحياء و سر وجودها، بل والعنصر الرئيس في تكوين الكون...» (اسماء عبدالرحمن، ۱۴۴۲ق: ۱۱۱۲۵). نویسنده، در ادامه، به وجود آمدن خدایان گوناگون را نیز برگرفته از گوهر آب دانسته، می‌نویسد: «اجتمعت الأساطير في كون الماء مكوناً أساساً في نشأة الكون، و نشأة آلهة التي ساد الاعتقاد بها عصوراً كثيرة... لكن الماء كان العنصر الأساس، والآله الأصل لكل المخلوقات.» (المرجع السابق).

ترجمه: اسطوره‌ها در این واقعیت که آب عنصری اساسی در شکل‌گیری جهان و منشأ به وجودآمدن خدایان بود، اتفاق نظر دارند. اعتقادی که سده‌های بسیار وجود داشت، اما آب عنصر اساسی و خدای اصلی همه موجودات است.

از آنجا که آب پیوندی دیرین و مهم با زندگی بشر دارد، شاعران و نویسندگان عرب آن را به شکل های گوناگونی در آثار خود بازتاب داده‌اند. «حتى عرف من العرب عن العرب قديماً أنهم «ابناء ماء السماء»، لأعتمداهم على ماء المطر بشكل رئيس في الشرب و الزراعة.» (المرجع السابق). ترجمه: حتی معروف است که عرب‌های قدیم، به دلیل وابستگی خود به آب باران، برای نوشیدن و کشاورزی، خود را فرزندان آب‌های آسمان می‌دانستند.

عماد مجاهد، با توجه به نقش آب در شکل گیری عالم هستی، آب را اقیانوس ابدی و خدای خدایان دانسته، می نویسد: «أما الماء فهو المحيط الأزلي البدائي، الذي خلقت منه الآلهة و السماء والطبيعة، و عُرف هذا المحيط الدائي، باسم «نون» (عماد مجاهد: ۲۰۲۰م: ۳۶). ترجمه: آب همان اقیانوس ابدی و بدوی است که خدایان و آسمان و طبیعت از آن آفریده شده‌اند، و این اقیانوس بدوی به نام «نون» معروف است.

بسیاری از متون مصر باستان، علاوه بر آنکه آب را خدای خدایان می دانند، نظام هستی را به دو گروه خیر و شر تقسیم می کنند و بر این باورند که خدای گروه خیر در یک دوره زمانی، خدای «اتم» از دریا بیرون آمد، «و قال ليس لي أب، و ليس لي أم، لقد خلقت نفسي من مياه المحيط، و أنا الآله في الكون، و سوف أخلق الآلهة الآخرين.» (اسماء عبدالرحمن، ۱۴۴۲ق: ۱۱۱۳۷).

ترجمه: و گفت من نه پدری دارم و نه مادری. خود را از آب اقیانوس آفریدم و من خدای جهان هستم، و خدایان دیگری خواهم آفرید.

اسماء عبدالرحمن نیز ضمن تأکید بر نقش آب در آفرینش هستی، نخستین آفریننده را اتم می داند و از زبان اسطوره می نویسد: «و تقول الأسطورة أن الآله الخالق الأول هو «آتوم»^۱ و هو متحد في هوية واحدة مع أله الشمس رع.» (المرجع السابق: ۱۱۱۳۸).

ترجمه: اسطوره می گوید که نخستین خدای آفریننده، اتم است و او در یک هویت با خدای خورشید، رع، متحد شده است.

با توجه به اینکه برخی از اسطوره های مصری، آب را جسم خداوند می دانند، ولید فکری معتقد است که بیشتر این اسطوره ها بر این نکته تأکید می کنند که آب، خدا و حتی پدر همه خدایان است: «تلك الأساطير تؤكد كون الماء هو الآله، بل أباً للآلهة جميعها.» (ولید فکری، ۲۰۱۹م: ۹۱).

جفری بارندر از دیگر نویسندگانی عرب است که ضمن تأیید نظر اسماء عبدالرحمن و عماد مجاهد، در باره نقش آب در پدید آمدن عالم هستی می نویسد: «خرج آتوم من عماء المياه الذي يسمى «نون» ثم ظهر فوق تل، و أنجب بغير زواج الآله «شو» (الهواء)، والآلهة «ثقف نوت» و تفتت (الرطوبة)، و كان اله الهواء «شو» هو الذي زج بنفسه بين آلهة السماء «نوت»، و زوجها أله الأرض جب، و بذلك فصل السماء عن الأرض.» (جفری بارندر، ۱۹۹۳م: ۱۷۳).

ترجمه: اتم از اعماق پرآبی به نام نون بیرون آمد، سپس بر تپه ای ظاهر شد، و بدون ازدواج با خدای شو (هوا)، الهه رطوبت را به دنیا آورد، و خدای هوا (شو)، کسی بود که خود را

1. Atum

در میان خدایان آسمان، «نوت» قرار داد، و او را به ازدواج خدای زمین، «گب» درآورد. و بدین ترتیب، آسمان از زمین جدا شد.

با توجه به اقلیم بیابانی سرزمین کهن مصر و کمبود آب در آن، چاه ها و برکه ها در باورهای مصریان باستان اهمیت و جایگاه بالایی دارند و از دیگر کارکردهای اسطوره آب در پدید آمدن نظام آفرینش به شمار می روند. بر پایه همین باور، در مصر افسانه‌های زیادی در باره چشمه‌ها و چاه‌ها آفریده شده است. اسماء عبدالرحمن در باره یکی از همین باورها می نویسد: «رَسَخَ معتقد العرب قبل الإسلام أن الماء على سطح الأرض منبعاً واحداً يحكمه أله واحد... و من هنا كان تقديس العربي لمواطن الماء و منابعها.» (اسماء عبدالرحمن، ۱۴۴۲ق: ۱۱۴۰).

ترجمه: ثابت شد که بنا بر باورهای اعراب پیش از اسلام، آب بر روی سطح زمین منبع واحدی است که به وسیله یک خدای یگانه اداره می‌شود... و احترام عرب‌ها به مکان‌هایی که دارای آب و منابع آبی هستند، از همین باور نشأت گرفته است.

ویژگی پاک کنندگی و درمانگری آب

با توجه ویژگی پاک کنندگی، تطهیر و درمانگری آب در باورهای گذشتگان، مصریان باستان معتقد بودند که آب یک درمانگر بی مانند است، اسماء عبدالرحمن ضمن اشاره به این ویژگی مهم و برجسته آب می نویسد: «أن هناك عين أسكندرية تحتوي صنفاً من الصدف، يساعد في شفاء الأنواع النادر من الأمراض كالجذام.» (المرجع السابق: ۱۱۴۲).

ترجمه: و در جای دیگری اشاره شده است که چشمه‌ای در اسکندریه وجود دارد که حاوی نوعی صدف است که به درمان انواع بیماری‌های نادر مانند جذام کمک می‌کند. اسماء عبدالرحیم برای تأکید به ویژگی درمانگری آب، به داستان ایوب (ع) نیز اشاره کرده، می نویسد: «وعظمت تلك المكانة، حين جعل هذا الماء شفاء للسقم و المرض، (المرجع السابق: ۱۱۳۲).

ترجمه: مقام آب زمانی عظمت پیدا کرد که موجب شفای بیماری‌ها و مرض‌ها شد. وی در ادامه با استناد به سوره ص در قرآن کریم، و یادآوری داستان ایوب (ع)، آب را موجب شفای بیماران می داند: «وَإِذْ كُنَّا عَبْدًا لِّأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ. ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٍ.» (سوره ص - آیه ۴۲ - ۴۱).

ترجمه: و ای رسول ما یاد کن از بنده ما ایوب، هنگامی که به درگاه خدا عرض کرد پروردگارا شیطان مرا سخت رنج و عذاب رسانیده. پای به زمین زن در این آب سرد شستشو کن و از آن بیاشام.

مصریان باستان اهمیت ویژه ای به آب رودخانه نیل داده، آن را پاک و مقدس می دانستند. بر پایه همین باور، اسماء عبدالرحیم می گوید: مصریان از گذشته های دور در باره قداست و پاکی آب نیل، باورهای اغراق آمیزی داشتند. «حتی جعلت مصدره المائكة، فاعتقد الوجدان الشعبي لقرون طويلة.» (اسماء عبدالرحمن، ۱۴۴۲ق: ۱۱۳۲).

ترجمه: تا جایی که منشأ آن را به فرشتگان نسبت می دادند و این اعتقادی بود که برای قرن ها وجود داشت.

عمر و عبدالعزیز نیز ضمن اشاره به قداست و پاکی آب نیل در باورهای مصریان می نویسد: «أن النيل نزل على أجنحة الملائكة، و أن جبرئيل - عليه السلام - نزل بالنيل و الفرات على جناحيه، فكان النيل على جناحه الأيسر، والفرات على جناحه الأيمن.» (عمر و عبدالعزیز، ۲۰۰۹م: ۱۱۳۸).

ترجمه: نیل بر بال فرشتگان نازل شد، و جبرئیل علیه السلام با نیل و فرات بر بال او نازل شد. پس نیل بر بال چپ، و فرات بر بال راست او بود.

از دیگر جلوه های حضور آب در باورهای مصریان، مانند کردن آب به عطر است. بر پایه همین باور، آنان آب را بهترین نوع عطر می دانستند. «و من وصيته أمامه بنت الحارث لأبنها، و هي مقبله على الزواج: «وليكن أطيبي طيبك الماء» (اسماء عبدالرحمن، ۱۴۴۲ق: ۱۱۳۲).

ترجمه: بنت الحارث به پسرش که در شرف ازدواج بود چنین سفارش کرد که بهترین عطر تو آب باشد.

آب نه تنها با زندگی، نام، آداب، سنت ها و عقاید مصریان در آمیخته و به آن توانایی آفرینش داده شده که آنان بر این باورند که شستوی مردگان با آب، سرآغاز زندگی جدیدی برای آنان است: «و خير دليل على ذالك تغسيل الميت، الذي هو تمهيد لحياة جديدة يستعد لها المتوفى.» (المرجع السابق: ۱۱۳۱).

ترجمه: بهترین شاهد بر این امر، شستن مردگان است که مقدمه ای برای زندگی جدیدی است که متوفی برای آن آماده می شود.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه گفته شد، سیر تاریخی اسطوره آب در باورهای ایرانیان باستان، شاهنامه فردوسی و مصر باستان نشان می دهد که این اسطوره کهن از دیرباز، نقش مهم و سازنده ای در باورهای مردم داشته و در کارکردهای گوناگونی به کار رفته است. بن مایه های آفرینش جهان در اسطوره های بیشتر ملت ها، حاصل ترکیب گوهر های چهارگانه، و قالب جسمانی انسان حاصل ترکیب آب

و خاک است. در ایران باستان، آب به عنوان عنصری قدسی احترام بسیار داشته است. در آیین زردشت، وحدت آب نماد یگانگی خداوند، و کثرت آن، جلوه گاه تمام پدیده های هستی است. از میان چهار عنصر اسطوره ای، کهن الگوی آب اهمیت ویژه ای دارد؛ حالتی اسطوره ای-روایی دارد، و وظیفه برخی از الهگان، نگهداری از آب هاست. در شاهنامه فردوسی، اسطوره آب در سه کارکرد عمده به کار رفته که عبارتند از نقش سازنده آن در پدید آمدن عالم هستی، آب حیات و جاودانگی، و آزمون گذر از آب. آب در کارکرد نخست، اساس پدید آمدن عالم هستی است؛ آب حیات، موجب رسیدن انسان به جاودانگی می شود؛ انسان با گذشتن از آب، یا شست و شوی جسم با آن، از عالم جسم و مرگ رها شده، به عالم معنا و کمال روحانی می رسد، و زندگی دوباره ای می یابد. نقش های سه گانه اسطوره آب در شاهنامه، بیشتر در داستان های مربوط به کیخسرو، یزدگرد بزه گر، هفت خوان رستم و اسفندیار، اسکندر، تعمید رستم و آب چشمه سو نمود یافته است.

در باورهای مصریان نیز، اسطوره آب از دیرباز جایگاه والایی دارد. مصریان باستان، آب را اساس آفرینش عالم هستی و به وجود آمدن خدایان می دانند و بر این باورند که آب عنصر اصلی، خدای خدایان و خدای همه موجودات است. آنان با توجه به نقش آب باران در نوشیدن و کشاورزی، آب را اقیانوس ابدی و بدوی دانسته، خود را فرزندان آب های آسمان می دانستند و بر این باور بودند که خدایان و آسمان و طبیعت از آب آفریده شده اند. مصریان باستان ضمن تقسیم نظام هستی به دو گروه خیر و شر، بر این باور بودند که خدای گروه خیر در یک دوره زمانی از خدای اتم از دریا بیرون آمده و با خدای خورشید، رع، متحد شده است. به باور مصریان باستان، آب های روی زمین منبع واحدی دارند که به وسیله یک خدای یگانه اداره می شود. از دیگر باورهای اسطوره ای مصریان باستان در باره آب، اشاره به نقش درمانگری آن است. به باور آنان نوعی صدف در چشمه ای وجود دارد که انواع بیماری ها، از جمله جذام را درمان می کند. بر پایه همین باور، اسماء عبدالرحیم به داستان شفای ایوب نبی در قرآن کریم نیز اشاره کرده است.

منابع

قرآن کریم.

آموزگار، ژاله. (۱۳۹۵). *تاریخ اساطیری ایران*. چ هفدهم. تهران: سمت.

استیونس، ورونیکا. (۱۳۷۳). *اساطیر هند*. ترجمه باجلان فرخی. چ اول. تهران: اساطیر.

اسماء عبدالرحمن عبدالرحیم احمد. (۲۰۲۰). *اساطیر حول الماء و أساطيله*. جمهوری مصر العربیه. جامعه اسیوط. پ

الیاده، میرچا. (۱۳۷۶). *رساله در تاریخ ادیان*. ترجمه جلال ستاری. چ دوم. تهران: سروش.

پوردوود، ابراهیم. (۱۳۹۴). *اوستا*. چ چهارم. تهران: نگاه.

- جفری بارندر. (۱۹۹۳). *المعتقدات الدينية لدى الشعوب*. ترجمه: د/ آمام عبدالفتاح أمام. الكويت: المجلس الوطني للثقافة والفنون والآداب.
- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۸۱). *سخن های دیرینه*، به کوشش علی دهباشی. چ چهارم. تهران: افکار.
- دلاشو، م. لوتر. (۱۳۶۶). *زبان رمزی قصه های پریوار*. ترجمه جلال ستاری. چ دوم. تهران: توس.
- رضی، هاشم. (۱۳۴۶). *فرهنگ نام های اوستا*. چ اول. تهران: فروهر.
- زمردی، حمیرا. (۱۳۸۸). *نقد تطبیقی ادیان و اساطیر در شاهنامه فردوسی، خمسة نظامی و منطق الطیر*. چ سوم. تهران: زوار.
- سرکاراتی، بهمن. (۱۳۸۵). *سایه های شکار شده*. چ چهارم. تهران: طهوری.
- سرامی، قدمعلی. (۱۳۹۲). *از رنگ گل تارنج خار*. چ ششم. تهران: علمی و فرهنگی.
- شوالیه، ژان و گریبان، آن. (۱۳۷۸). *فرهنگ نمادها*. ترجمه سودابه فضایی. چ اول. تهران: جیحون.
- عماد مجاهد. (۲۰۲۰). *الموسوعة الكونية الحديثة (قصة نشأة الكون)*. دارالخليج للنشر و التوزيع.
- عمرو عبدالعزیز. (۲۰۰۹). *مصر و النيل بين التاريخ والفولكلور*. القاهرة: الهيئة العامة لقصور الثقافة مكتبة الدراسات الشعبية.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۴). *شاهنامه*. پیرایش جلال خالقی مطلق. چ بیست و ششم. تهران: سخن.
- کوپر، جی. سی. (۱۳۷۹). *فرهنگ مصور نماد های سنتی*. ترجمه ملیحه کرباسیان. چ اول. تهران: فرشاد.
- ورمازن، مارتیوزن. (۱۳۷۲). *آیین میترا*. ترجمه بزرگ نادرزاد. چ اول. تهران: سروش.
- ولید فکری. (۲۰۱۹). *أرباب الشر - المعبودون و الملعونون في أساطير الشعوب القديمة - الرواق للنشر و التوزيع*. مقالات
- اسماعیل پور، ابو القاسم. (۱۳۸۱). (تیرما، سیژه شو) *یا جشن تیرگان و اسطوره تیشتر*. نامه انسان شناسی. دوره ۱. شماره ۱. صص: ۷۷-۹۹.
- بازگیر و همکاران. (۱۳۹۶). (تجلی رمز و اسطوره در دیوان، حدیقه و سیرالعباد سنایی). فصلنامه بهار سخن. سال چهاردهم. شماره ۳۶. صص: ۱۱۵-۱۳۴.
- حیدری، حسن. (۱۳۸۵). (خضر، اسکندر و آب حیات). مطالعات عرفانی. شماره ۳. صص: ۷۳-۹۰.
- قائمی، فرزاد و همکاران. (۱۳۸۸). (تحلیل نقش نمادین اسطوره آب و نمود های آن در شاهنامه فردوسی بر اساس روش نقد اسطوره ای). جستارهای ادبی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی سابق). مجله علمی-پژوهشی. شماره ۱۶۵. صص: ۴۸-۶۷.

COPYRIGHTS

© 2025 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: شاه بدیع زاده محمد، مهربان جواد، مدیر احمد، تطبیق اسطوره آب در شاهنامه فردوسی و کتاب اساطیر حول الماء و أساطيله، فصلنامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱۹، شماره ۷۶، پاییز ۱۴۰۴، صفحات ۲۴۸-۲۳۳.